

# نظارت بر ایستهای بازرسی دیر بلوط و جوبارا

پنجشنبه، ۲۰ نوامبر ۲۰۰۳

امروز صبح من برای اولین بار برای مشاهده وضعیت ایستهای بازرسی حرکت کردم. مشابه مرزبانی‌های مابین کشورها، ایستهای بازرسی موانعی هستند که توسط سربازان و یا نیروهای پلیس مرزی به منظور ایجاد محدودیت در رفت‌وآمد وسایل نقلیه و پیاده‌ها ایجاد شده است. متأسفانه، برخلاف ایستهای مرزی، اکثر ایستهای بازرسی در سرزمینهای اشغالی فلسطین در مرزها ایجاد نشده بلکه در داخل کرانه باختری و نوار غزه برپا شده‌اند. دولت اسرائیل ادعا میکند که وجود این ایستهای بازرسی برای جلوگیری از حملات فلسطینیان به اسرائیل لازم است درحالیکه آنها، بجای ایجاد حفاظ مرزی، صرفاً عامل ایجاد محدودیت در رفت‌وآمد مابین شهرها و روستاهای فلسطینی هستند.

بدرفتاریهای سربازان اسرائیلی و نیروهای پلیس در ایستهای بازرسی آنقدر شایع است که نیروهای داوطلب اسرائیلی و بین‌المللی بررسی آنها را در برنامه خود دارند تا حداقل بتوانند درباره این اعمال شهادت دهند و یا در صورت امکان، مداخله کرده و از آنها جلوگیری کنند. امروز ما ایست بازرسی‌ای که ورود و خروج از دیر بلوط را کنترل میکند را تحت نظر گرفتیم. دیر بلوط یک روستای کوچک است که دقیقاً در شرق خط سبز، یعنی همان مرز شناخته‌شده بین‌المللی بین اسرائیل و کرانه باختری قرار دارد. شب گذشته سربازان بصورت غیرمنتظره ایست بازرسی ورودی به دیر بلوط را بستند و بسیاری از کشاورزان سرگردان و بدور از خانه‌هایشان مانده بودند. وقتی ما صبح زود رسیدیم ایست بازرسی تقریباً خالی بود و تنها چند دانش‌آموز که در راه مدرسه بودند آنجا حضور داشتند. پیش از این، دانش‌آموزان از سرویس مدرسه برای رفت‌وآمد استفاده میکردند ولی با ایجاد موانع جاده‌ای توسط اسرائیل، دردسر این روش بسیار بیش از نفعش شده است. هم‌اکنون دانش‌آموزان و معلمین برای رفتن به مدرسه میبایست از میان تک تیراندازها و حصارهای برقی عبور کرده و علاوه بر نشان دادن کارت هویت خود، کیف خود را نیز برای جستجو تحویل دهند. از آنجایی که زمان انتظار در ایستهای بازرسی غیر قابل پیش‌بینی است، ساعت‌های حضور در مدرسه برای آنها منظم نیست.

سه معلم زن پس از رسیدن ما به ایست بازرسی سر رسیدند و سرباز اسرائیلی به آنها اشاره کرد که تک‌تک جلو بیایند. اولین زن به سرباز نزدیک شد و منتظر شد تا سرباز او را گشت و سپس با علامت سر به او گفت که میتواند عبور کند. دو زن دیگر کارت دانشجویی خود را به همراه داشتند ولی کارتهای هویتی که اسرائیل برایشان صادر کرده بود را با خود نیاورده بودند.



© JWPSS 2003

در یک ایست بازرسی نظامی در میانه کرانه باختری، فلسطینیان منتظر هستند تا اوراق شناسایی خود را نشان داده و تفتیش شوند.



دو زن ساکن دیر  
 بلوط از ایست  
 بازرسی نظامی که  
 مسیر اصلی روستا را  
 میبندد عبور میکنند.  
 شهرک اسرائیلی  
 پدویل (Pedu'el)  
 در پس زمينه،  
 زمینهای دیر بلوط را  
 اشغال کرده است.

ظاهراً در گذشته کارت دانشجویی کافی بوده اما سرباز امروز می گفت که کافی نیست. زنها سعی کردند به سرباز توضیح دهند که اگر بخواهند تمام این راه را به خانه برگردند و مدارکشان را بیاورند دیر به مدرسه خواهند رسید. در انتها، آنها مجبور شدند برگردند و دیر به سر کلاسهایشان رسیدند.

من از سرباز پرسیدم که آیا او نگران بوده که زنها خطرناک هستند. او گفت که این خلاف مقررات بوده که آنها بدون اوراق اجازه عبور پیدا کنند. من یک قدم جلوتر رفتم و از او پرسیدم که آیا او هرگز به قوانینی که اعمال میکند فکر کرده است. او سر من داد زد که عقب بروم. من خودم رو حفظ کردم و به او گفتم که من فقط میخوام با او صحبت کنم، ولی او مانند سگ فریاد کشید که فوراً عقب بروم. من برگشتم و به سمت بلوکهای سیمانی ای رفتم که همکارانم آنجا ما را نظاره میکردند. به نظر میرسید که سؤالات من او را عصبانی تر کرده بود و من میدانستم که احتمالاً من تنها کسی نخواهم بود که بخاطر اثرات



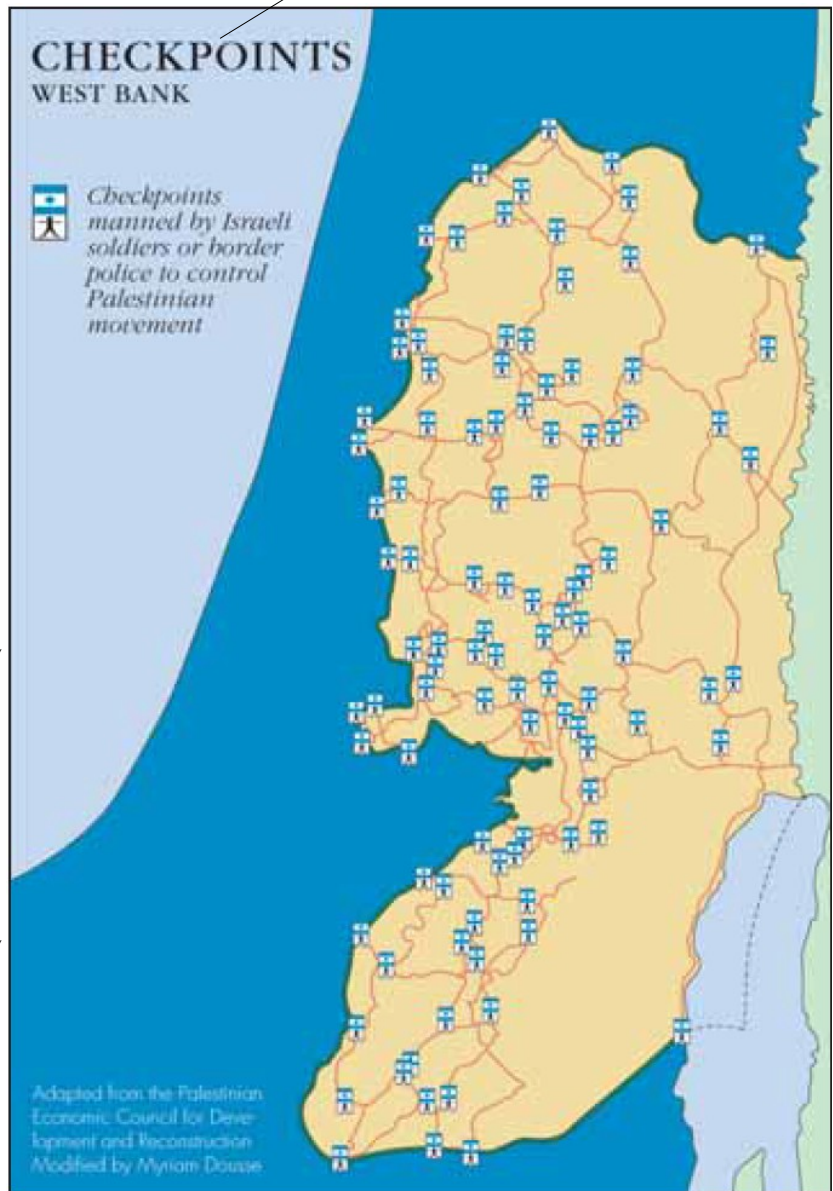
فلسطینیان در صف  
 منتظر عبور از ایست  
 بازرسی اسرائیل در  
 میانه کرانه باختری  
 هستند. ماشینهای  
 اسرائیلی با پلاک  
 زرد رنگ آزادانه از  
 سمت چپ آنها  
 عبور میکنند.



سوالاتم و اخلاق بد سرباز متحمل در دسر خواهد شد.

در تمامی فعالیتهایی که داوطلبان بین‌المللی انجام میدهند، دغدغه اصلی باید این باشد که اثرات کوتاه مدت و بلند مدت این اعمال بر روی مردم چه خواهد بود. من معتقدم که سوالات من از آن سرباز سوالات خوبی بود اما ممکن است که پرسیدن آنها در آن موقع خوب نبوده باشد. من ممکن است در مواقع بحرانی موقعیت را ترک کنم ولی اینجا اکثریت افراد این کار را نمی‌کنند.

ساعت ۹ صبح ما دیر بلوط را ترک کردیم و بسمت شهر طولكرم رهسپار شدیم تا با دو زن که یک تعاونی محلی خیاطی زنانه ایجاد کرده بودند گفتگو کنیم. یکی از زنان از من پرسید که آیا من میتوانم به آنها کمک کنم که صنایع دستی محلی را در خارج بفروشند. من گفتم که شرایط و امکان آن را بررسی میکنم ولی خوشبین نیستم. غالب تجارت فلسطینیان با کشورهای خوبی است که روابط دیپلماتیک خوبی با اسرائیل دارند و بدین ترتیب شامل کشورهای عرب همسایه نمیشود. فلسطینیان همچنین در تجارت خود میبایست به دولت اسرائیل مالیات پردازند که در برخی موارد بیش از توان مالی تاجران فلسطینی میباشد.



سربازان رفت و آمد میان شهرها و روستاهای فلسطینی را زیر نظر دارند.



هر دو زن به صورت تمام وقت به زنان محلی روستایی دموکراسی، رهبری و ارتباطات را آموزش میدهند. زنها به ما داستانهای آشنایی را دربارهٔ منع کشاورزان از برگشت به منازلشان، و یا پس از عبور اجازهٔ برگشت ندادن تا یک هفته را نقل میکردند که مورد دوم باعث میشد محصولات تازه چیده شدهٔ آنها خراب شده و قابل فروش نباشد. خانواده‌های فقیر فقیرتر می‌شوند و بسیاری از والدین توانایی مالی برای فرستادن بچه‌هایشان به مدرسه را ندارند. برای فرستادن یک فرد فلسطینی به مدرسه به ۴۵ شیکل (حدود ۱۰ دلار) در سال نیاز میباشد. زنها به ما التماس میکردند که برای تحصیل بچه‌ها پول جمع کنیم، بچه‌هایی که بسیاری از آنها دخترانی هستند که تحصیل آنها در خانواده‌های سنتی یک اولویت نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

ما به دیدن یک مدرسه در مرز طولکرم نزدیک یک کمپ آموزش نظامی اسرائیلی رفتیم. رئیس مدرسه میگفت که سربازان در موارد بسیاری دانش‌آموزان مدرسه که در وقت تنفس در حیاط بازی میکنند را اذیت میکنند. او می‌گفت که ارتش یکبار مدرسه را با هواپیمای نظامی بمباران کرده است. او متعجب بود که چگونه دانش‌آموزان میتوانند خواندن و نوشتن بیاموزند در حالیکه نگران بمباران مدرسه‌شان میباشند.

ما شهر طولکرم را از طریق جوبارا، ایست بازرسی جنوبی شهر که خیلی شلوغ و بی‌نظم بود ترک کردیم. سربازان یک میلهٔ پلاستیکی قرمز را در روی زمین قرار داده بودند و تهدید میکردند که کسی نباید از آن رد شود. ما فکر میکردیم که پشت این دیوار مجازی که سربازان در مقابل ما با اسلحه اطراف آن رژه میرفتند گیر کرده‌ایم. البته این موانع فقط برای فلسطینیان است. هنگامی که سربازان گروه بین‌المللی ما را دیدند، به ما اشاره کردند و ما بدون آنکه حتی پاسپورتمان کنترل شود از آنجا عبور کردیم.

ما تنها گروهی نبودیم که اولویت عبور داشتیم. اتومبیل‌های با پلاک زرد بدون توقف از ایستهای بازرسی میگذرند. اتومبیل‌های اسرائیلی و فلسطینی پلاک‌هایی با رنگهای متفاوت دارند تا سربازان بتوانند براحتی تشخیص دهند که اتومبیل حامل فلسطینیان و یا اسرائیلیان است. پلاک اتومبیل‌های اسرائیلی زرد رنگ و اتومبیل‌های فلسطینی سفید و سبز است. در ایست بازرسی جوبارا، بمانند بقیه، اتومبیل‌های پلاک زرد بدون معطلی عبور میکنند در حالیکه اتومبیل‌های پلاک سفید و سبز، شامل آمبولانسها، ساعتها معطل میشوند.



اتومبیل با پلاک سفید و آمبولانس پلاک سبز فلسطینی در ایست بازرسی زاتارا به کناری میروند تا اجازه دهند اتومبیل پلاک زرد اسرائیلی عبور کند.

من کم کم داشت حالم بد میشد. من ساعتها بود که چیزی نخورده بودم چون بی‌ادبی است که در ماه رمضان، ماه روزه‌داری مسلمانان، در انتظار عمومی غذا خورد. همانطور که گرسنه‌تر میشدم دیگه حواسم جمع نبود که چی میبینم. اوضاع خیلی آزاردهنده بود و نمیتوانستم بیش از این در این مورد فکر کنم. من روی جدول نشستم و چند لقمه غذا را به داخل دهانم فرو بردم. هنگامی که من از این حالت گنجی بیرون آمدم، تصاویر روبرویم برایم واضحتر شد. فلسطینیان بصورت فشرده زیر آفتاب سوزان ایستاده بودند و من میدانستم که اکثر آنها از ساعت ۴ صبح روزه بوده‌اند. من فقط از ساعت ۱۰ صبح روزه بودم.

۱ - برای کمک به تحصیل دختران فلسطینی در طولکرم با حنان در Palestinian Women's Developing Center تماس بگیرید. پست الکترونیک: [hanan716\\_5@hotmail.com](mailto:hanan716_5@hotmail.com)، تلفن: ۹۲۶۷۵۸۳۵ و ۹۷۲) و ۵۹۹۶۷۵۹۱۴.





ایست بازرسی جیت

تعجب من در این بود که آنها اینهمه صبر را کجا یاد گرفته‌اند. فکر میکردم من اگر جای آنها بودم چه میکردم. اگر من فلسطینی بودم آیا مقاومت میکردم؟ آیا برای خودم استقامت میکردم؟ بله، احتمالاً. و سپس آنقدر به عقب رانده میشدم تا اینکه دیگر رمقی نداشته باشم. و یا شاید با هر ضربه‌ای روحیه‌ام قویتر میشد. تعدی و ستم و بیداد بصورت‌های مختلفی بر روی افراد اثر میگذارد. بعضی مصمم‌تر می‌شوند و بعضی ضعیفتر. احتمالاً بعضی افراد روشن‌فکر هم هستند که بطور منطقی دربارهٔ موقعیت و شرایط فکر کنند. اما تلاش برای تفکر منطقی و عملی در یک چنین محیط غیر انسانی‌ای احتمالاً هر انسان عاقلی را دیوانه میکند.



ایست بازرسی بیت امین

